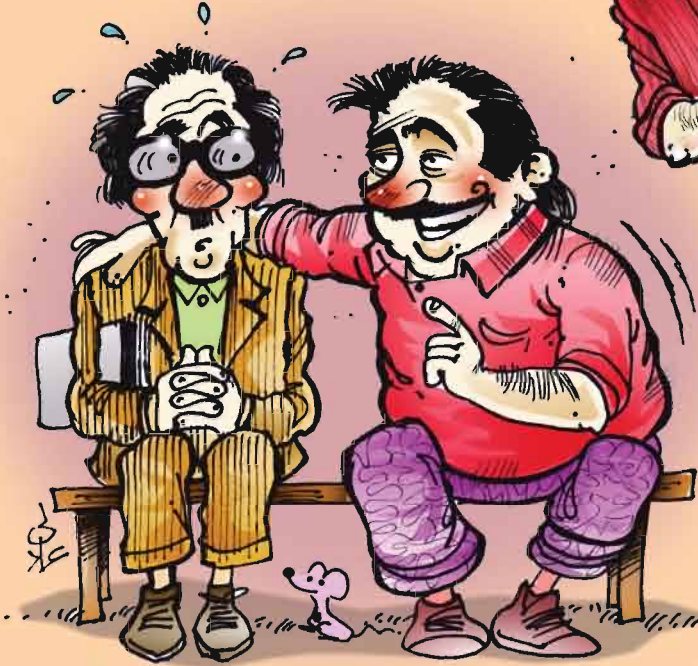


## قرض

آقای حشمتی که مدتی بود بازنشسته شده بود با دوستش مشغول صحبت بود و گفت: می‌دانی محمودی جان، چند وقتی است که شروع کرده ام به نوشتن خاطراتم... دوستش با شنیدن این حرف لبخندی زد و گفت: چه قدر خوب کریمی جان، حالا ببینم به اونجایی رسیدی که ۴۰۰۰ تومن از من دستی گرفتی و هنوز پس نداده ای؟؟



BY: ARASH-ADELI  
aadel101@yahoo.com

## خالی بندی

دو مسافرکش در حالی که منتظر مسافر بودند مشغول کوی خواندن واسه همدیگر بودند، اولی: غلام جون، حاجیت اینقدر تند میره که مسافراش فکر می‌کنن تیرهای چراغ برق به هم چسبیدن!! دومی: به... این که چیزی نیست داش رضا، من اینقدر تند می‌پیچم که پلاک عقب ماشینمو می‌بینم!!!



## فقیر

پسرک دوان دوان به خانه آمد و به مادرش گفت: مامان جون پنجاه تومن بهم بده تا به یه مرد فقیر بدم. مادر پنجاه تومان به پسرک داد و پرسید: حالا اون مرد فقیر کجاست؟ پسرک پاسخ داد: سر کوچه است. داره بستنی می‌فروشه!!!



## جواب

پدر به پسر: ببینم بچه «آب» چند بخشه؟  
پسر: دو بخش آقا جون  
پدر: آفرین، صدش چیه؟  
پسر: شر شر!!!

کوتاه،  
پدر  
و پسر



## آنچه دکترها می گویند و معنی واقعی آن !!!

“بینم مشکلات از کی شروع شد؟”  
یعنی من که از بیماریتون چیزی نفهمیدم و ایده‌ای ندارم امیدوارم شما خودتون  
سرنخی به من بدین!

“هم خبرهای خوب و هم خبرهای بد براتون دارم”  
یعنی خبر خوب اینه که من قراره به ماشین جدید بخرم و خبر بد اینکه شما باید پول  
اونو بدین!

“من به این آزمایشگاه اطمینان دارم بهتره آزمایش هاتون را اونجا انجام  
بدین”  
یعنی من ۴۰ درصد از پول آزمایش بیمارانی را که به اونجا معرفی می کنم، می گیرم!

“دارویی که براتون نوشتم داروی خیلی جدیدیه”  
یعنی من دارم یه مقاله علمی می نویسم و می خواهم از شما مثل موش آزمایشگاهی  
استفاده کنم!

“اگه تا یک هفته دیگه خوب نشدید یه زنگ به من بزنید”  
یعنی من نمی دونم بیماریتون چیه شاید خود به خود تا یک هفته دیگه خوب بشه!

“بهتره چند تا آزمایش تکمیلی هم انجام بدین”  
یعنی من نفهمیدم بیماریتون چیه، شاید بجه‌های آزمایشگاه بهترتون کمک کنن!

“این بیماری الان خیلی شایعه”  
یعنی این چندمین مریضیه که این هفته داشتیم باید حتما امشب برم سراغ کتاب های  
پزشکی و درمورد این بیماری مطالعه کنم!

“اگه این عوارض از بین نرفت هفته دیگه زنگ بزنید وقت بگیرین”  
یعنی تا حالا مریضی به این سمجی نداشتیم خدا را شکر که هفته دیگه مسافرتیم و  
مطب نمیام!

“فکر نمی کنم رفتن پیش فیزیوتراپیست فایده‌ای داشته باشه”  
یعنی من از فیزیوتراپیست ها نفرت دارم، نرخ‌های ما رو شکستن!

“ممکنه یک کمی دردتون بیاد”  
یعنی هفته پیش دو تا مریض از شدت درد زبونشون رو گاز گرفتن!

“فکر نمی کنید این همه استرس روی اعصابتون اثر گذاشته باشه”  
یعنی من فکر می کنم شما دیوونه هستین و امیدوارم یک روانشناس پیدا کنم که  
هزینه‌های درمانتون رو باهانش قسمت کنم!

(با احترام به تمام پزشکان محترم)

لطیفه‌هایی  
از مدرسه

## زمان گذشته

معلم دستور زبان فارسی از بچه‌ها پرسید:

وقتی که من می گویم «جوان هستم»

این کدام زمان است؟

بچه‌ها: آقا اجازه، زمان خیلی قدیم!

## شوخی

معلم: رضا، تو از چه گلی خوشت می آید؟

رضا: آقا اجازه، گل «آقا قبا»!

معلم: خوب، حالا اسم گلی رو که گفتی

بنویس.

رضا: آقا اجازه، شوخی کردیم، ما

گل «رز» دوست داریم!!!